



## بررسی روابط بینامتنی اشعار عطار نیشابوری با داستان‌های قرآنی انعکاس یافته در نگارگری صفوی

جمعه جعفری برزیان<sup>۱</sup>، رحیمه چولانیان<sup>۲</sup>، عزیز عشمیدیان نژاد<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران، jomehjafari1352@gmail.com  
<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران، dr.ch1970@iauabadan.ac.ir  
<sup>۳</sup> استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران، Azizeshmidian@gmail.com

### چکیده

نظریه بینامتنی پدیده‌ای جدید در غرب، اما قدیمی و ریشه‌دار در ادبیات اسلامی است. به کارگیری واژگان، مضامین و مفاهیم آیات قرآن کریم در آثار ادبی یکی از جذاب‌ترین مباحث نقد ادبی به‌شمار می‌رود. اشعار عطار از جهت تأثیرپذیری از مفاهیم آیات قرآن دارای مناسبت‌های بینامتنی بسیاری است که باتوجه به رویکرد بینامتنی قابل مطالعه می‌باشند. از سوی دیگر، بخش زیادی از داستان‌های قرآنی که دارای زیبایی‌شناسی منحصر به فردی است در نگارگری دوره صفویه به کاررفته است. بررسی چگونگی انعکاس این مقوله در نگارگری صفویه حائز اهمیت است. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی - مقایسه‌ای به بررسی وجوه تأثیرپذیری اشعار عطار نیشابوری از واژه‌ها، ترکیبات، تعبیرات، مفاهیم و مضامین آیات قرآن در سطوح اثرپذیری تلمیحی، گزاره‌ای، واژگانی به این نتایج رسیده‌ایم که از میان انواع روابط بینامتنی اشعار عطار با آیات قرآن، اثرپذیری تلمیحی و واژگانی از بسامد بیشتری برخوردار هستند. همچنین داستان‌های زیبایی قرآنی باتوجه به تأثیرگذاری در حوزه هنر به‌عنوان یکی از مضامین اصلی در نگارگری دوره صفویه در نظر گرفته شده است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی روابط بینامتنی اشعار عطار نیشابوری با آیات قرآن.
۲. بررسی داستان‌های قرآنی در نگارگری صفویه.

### سؤالات پژوهش:

۱. از روابط بینامتنی کدام نوع در اشعار عطار نیشابوری بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است؟
۲. داستان‌های قرآنی در نگارگری صفویه چه بازتابی یافته است؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۲۰۰ الی ۲۱۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

### کلمات کلیدی

قرآن کریم،  
عطار نیشابوری،  
بینامتنی،  
شعر.

### ارجاع به این مقاله

جعفری برزیان، جمعه، چولانیان، رحیمه، عشمیدیان نژاد، عزیز. (۱۴۰۲). بررسی روابط بینامتنی اشعار عطار نیشابوری با داستان‌های قرآنی انعکاس یافته در نگارگری صفوی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۲۰۰-۲۱۷.



[doi.net/dor/20.1001.1  
173570814022049187](https://doi.org/10.22034/IAS.173570814022049187)



[dx.doi.org/10.22034/IAS  
.2021.292610.1646](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.173570814022049187)

## مقدمه

قرآن کریم از آغاز نزول تاکنون به دلیل حیاتی بودن و برخوردار بودن از جمال لفظی و معنوی غیرقابل وصف و نیز به دلیل موسیقی درونی که در لابه‌لای واژگان و پیوستگی آیات دیده می‌شود (الفخوری، ۱۳۸۵: ۳۳۲) به‌عنوان الگویی برای بسیاری از شاعران و ادیبان و نویسندگان بوده است. شاعران و نویسندگان زبان فارسی از قرن دوم هجری به بعد تحت تأثیر کلام الهی و سخنان معصومین (ع) قرار گرفتند که همین امر سبب ایجاد تحول بزرگی در عرصه ادب فارسی شده است. این تأثیرپذیری در قرن‌های پنجم تا هشتم به اوج خود رسید؛ به طوری که شاعران بزرگی چون حکیم سنایی، ناصر خسرو، خاقانی، عطار، مولانا و حافظ هر کدام با توجه به سبک و روش خود با استفاده از آیات قرآن کریم، کلام اندیشه خود را تعالی بخشیدند. یکی از این شاعران که دارای آثار متعددی است و در کاربرد مفاهیم قرآنی سبقت را از دیگران ربوده است، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری است. ارادت خاص او به خاندان نبوت سبب شده تا با شوق و اشتیاق عجیب و درخور اعتنا از این خاندان سخن بگوید.

اصطلاح بینامتنی از پدیده‌های جدید در نقد ادبی معاصر به‌شمار می‌آید که روابط میان متون را مورد بررسی قرار می‌دهد. براساس این نظریه می‌توان متون و آثار نویسندگان و اشعار شاعران را نقد و بررسی کرد. این نظریه جدید که موجب آفرینش متن جدید و تازه می‌شود و عملاً از دیرباز در ادبیات اسلامی رواج داشته است. در نظریه بینامتنی، ما با دو عنصر ارتباط و تغییرات روبه‌رو هستیم؛ یعنی از یک طرف بینامتنی منجر به ارتباط بین متن قدیم و متن جدید می‌شود و از طرف دیگر به ایجاد تغییر و تحول جدید در راستای اهداف شاعر می‌انجامد. درک معنای متن و تفسیر و شرح آن توسط خواننده صورت می‌پذیرد، به همین دلیل شاعر زمانی که شعری می‌سراید و نویسنده زمانی که آثاری را می‌نویسد، نه تنها معنایی را که به شعر و اثرش می‌دهد، می‌سنجد، بلکه روی مهارت خواننده نیز حساب می‌کند. نگارگری ایرانی-اسلامی نیز به واسطه غنای محتوا و ساختار نظام‌مند همواره به‌عنوان عرصه پرباری جهت انجام پژوهش‌ها مطرح بوده است. به‌عنوان مثال شرح واقعه معراج پیامبر (ص) که در آثار عطار نیشابوری به نظم در آمده است، یکی از مهم‌ترین مباحث مهم اعتقادی اسلامی است که در متون ادبی و آثار هنری بازتاب بسیاری یافته است. نگارگری معراج پیامبر از درخشان‌ترین نمونه‌های نگارنگاری ایرانی-اسلامی است. سیر آسمانی پیامبر (ص) در دو سوره از قرآن آمده است. یکی در آیات نخستین سوره اسراء و دیگری آیات ۱۳ تا ۱۸ سوره مبارکه نجم می‌باشد. به‌عبارت دیگر هنر ایرانی-اسلامی با توجه به معنای ژرف و عمیق خود همواره بازتاب‌دهنده مفاهیم و وقایعی مهم بوده است.

برای شناخت عمیق‌تر و پی‌بردن به مفاهیم ارزشمند آثار شاعران و نویسندگان لازم و ضروری است که آثار آن‌ها به‌طور دقیق واکاوی و بررسی شوند. عطار یکی از شاعران برجسته ادبیات فارسی است، که از مضامین و متون دیگر به‌خصوص آیات قرآن کریم سود برده است. وی در اشعارش از گونه‌های مختلف بینامتنی از جمله (تلمیحی، گزاره‌ای و واژگانی) استفاده فراوان می‌برد. الگوی اصلی عطار برای آراستن سخن خود در دیگران متون دینی می‌باشد. عطار از واژگان و

عبارات قرآنی به وفور در اشعار خویش استفاده کرده است. می‌توان گفت، شعر عطار دنباله فرهنگ گذشته یعنی فرهنگ کتاب‌های قدیم و متصوفه و از همه مهم‌تر متون اسلامی است که نقش بسیاری در غنی کردن ادبیات شاعر داشته است. او در بیشتر اشعارش سعی دارد تا با تبرک‌جستن به متون دینی، آیات قرآن کریم و احادیث نبوی و مفاهیم و مضامین متون دیگر شعرش را غنی کند.

منظور از روابط بینامتنی در اشعار عطار نیشابوری، ارجاعاتی است که شاعر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، آگاهانه یا ناآگاهانه، صریح و غیرصریح یا ضمنی در اشعار خود به بیان آن می‌پردازد. در این پژوهش سعی داریم که اشعار این شاعر را با توصیف واحدهای بنیادی و با تکیه بر نظریه کریستوا روابطشان با متن‌های دیگر در حد توان و دسترسی به منابع بررسی نماییم. پژوهش حاضر به دنبال یافتن این است که نشان دهد که عطار نیشابوری در اشعار خود از کدام یک از انواع روابط بینامتنی استفاده کرده و تا چه حدی توانسته است از آن برای پیش‌برد بهتر مفاهیم شعری خود به مخاطب کمک بگیرد. علت توجه عطار به عبارات‌های متون دیگر به‌خصوص آیات قرآن کریم را می‌توان در موارد زیر دانست: استفاده از عبارات قرآنی و متون اسلامی برای بیان حقایق و دیدگاه‌های خود با توجه به فضای خفقان حاکم در آن زمان به علت حمله مغول‌ها که در آن می‌زیسته باز گرداندن معنویت از دست‌رفته به جامعه خود و آراستن اشعار خود به کلام آسمانی دانست. جامعه آماری این پژوهش اشعار عطار نیشابوری و آیات قرآن می‌باشد، و روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و بر مبنای نظریه ژولیا کریستوا است. بر این اساس، اشعار مرتبط ابتدا انتخاب شده‌اند و نقش متون دینی در القای پیام شعر از نظر فنی و موضوعی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. به صورت کتابخانه‌ای اطلاعات مربوط از اشعار عطار استخراج و فیش‌برداری شده‌اند؛ سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

## ۱. بینامتنی

بینامتنی دارای قانون‌هایی است و قانون‌های آن به سه صورت انجام می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱- اجترار یا نفی جزئی (Negation partiell): در این نوع از قانون تناص، متن حاضر ادامه متن غایب است و آن نوعی برگردان برای متن است، مؤلف در این نوع جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد؛ از این رو متن برگرفته می‌تواند یک جمله، یا یک کلمه باشد (موسی، ۲۰۰۰: ۵۶). در این قانون تنها بخشی از ساختار متن مبدأ در متن مقصد جلوه‌گر است و گاه ترکیب الفاظ می‌تواند به صورت عینی از متن مادر باشد (کریستوا، ۱۳۸۱: ۷۹).

۲- نفی متوازی یا امتصاص (Negation symetviqu): این نوع تناص در مرتبه‌ای بالاتر از نوع اول است و در آن ادیب به اهمیت متن غایب و ضرورت جذب آن در متن حاضر معترف است و شاعر یا نویسنده می‌تواند در معنی متن جدید خود بیفزاید (عزام، ۲۰۰۱: ۵۵).

۳- نفی کلی یا حوار (Negation totale): بالاترین نوع تناص است که بر خواندن آگاهانه و عمیق نسبت به متن حاضر و اثر متن غایب گذشته و یا معاصر تکیه دارد و روابط بین متون غایب و حاضر در سایه قوانین آگاهانه و



غیرآگاهانه است (همان: ۵۶). قانون نفی کلی به‌عنوان بالاترین رابطه میان متون در فرایند بینامتنی است تا جایی که خواننده گمان می‌کند متن جدید با متن پنهان هیچ رابطه‌ای ندارد (ر.ک: ناهم، ۲۰۰۷: ۴۹).

هر بینامتنی دارای سه رکن اصلی می‌باشد که عبارت‌اند از: **متن حاضر** (متن موجود، متن لاحق): اولین عنصر پدیده بینامتنی متن حاضر است. متن حاضر همان متنی است که پیش‌روی خواننده است و در تعامل با متون دیگر قرار گرفته و خواننده درصدد یافتن منبع و مرجع متن حاضر است.

**متن غایب** (متن مفقود، متن سابق): طبق نظریه بینامتنی، هر متنی می‌تواند دارای یک یا چند سند مختلف باشد که برای فهمیدن و تحلیل آن متن به آن اسناد ارجاع داده می‌شود و این متن ارجاع داده شده همان است که متن اصلی را تفسیر می‌کند؛ بنابراین متن غایب همان متنی است که مؤلف یا شاعر در اثر خود آثار و نشانه‌هایی از آن را نمایان می‌کند و این آثار و نشانه‌ها می‌تواند به شکل‌های مختلف در نوشته او وجود داشته باشد.

**عملیات بینامتنی** (کوچ معنا، لفظ): بررسی یک لفظ با معنا از متن پنهان به متن حاضر، عملیات بینامتنی نامیده می‌شود، که شرح و بیان آن مهم‌ترین قسمت نظریه بینامتنی در تفسیر متون است. هر متنی متون مختلفی را در خود جای داده و در شکل جدیدی آن‌ها را بازآفرینی کرده است.

## ۲. بازخوانی شخصیت عطار نیشابوری

شیخ فریدالدین ابوحامد محمدبن اسحق معروف به عطار در روستای کدکن از توابع نیشابور طبق روایات مشهور در سال ۵۴۰ هجری متولد شد. او با پدرش شغل عطاری داشته‌اند. معروف است که در منطقه شادباخ نیشابور در سال ۶۱۸ هجری به‌دست قوم تاتار به شهادت رسید. آرامگاه او امروزه در جایی به‌نام امام‌زاده محروق در نیشابور است (قبر حکیم خیام فیروز در آنجاست). نام پدرش ابراهیم بود. مادر عطار اهل مناجات و مؤمنه بود که بسیاری از شب‌ها تا سحر به دعا و مناجات می‌پرداخت و مدت ۲۰ سال به روش زاهدان می‌زیست (صفا، ۱۳۶۳: ۲۳۰). عطار با شعر خود، هدف تعلیم را پیگیری می‌کرد. وی بیشتر شاعری اهل تجربه است تا حکمت‌گرا، نقد عقل بیشتر از ستایش آن است. سبک شعری وی سبک خراسانی است که تلمیحات در شعر وی بسیار است. شعر وی ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد و آمیخته به سادگی و روانی است. او از زبان ساده و گفتار همه اهل ادب بهره می‌برد و آن را به شیرینی حکایات آمیخته و با آیات و روایات مزین می‌کند. غزلیات عطار پر از تشبیه، استعاره‌های زیبا، مجازهای متنوع، کنایات پر معنا، آیات قرآن کریم، تلمیحات قرآن کریم می‌باشد، و اصطلاحات عرفانی به کار رفته در اشعار عطار هر محقق تشنه‌ای را سیراب می‌کند. نشانه‌های بینامتنی در اشعار عطار را می‌توان در به‌کارگیری واژه‌ها و مفردات و استعمال آیات قرآن کریم و ترکیب‌ها و حوادث و داستان‌های قرآنی جست‌وجو کرد. افکار و اندیشه‌های عطار نیشابوری مورد توجه شاعران و نویسندگان دیگر نیز قرار گرفته است از جمله این ادیبان عزالدین عبدالسلام مقدسی از شاعران نویسندگان اهل تصوف قرن هفتم هجری است. او در تنظیم یکی از قسمت‌های کتابش به‌نام «کشف‌الاسرار فی حکم الطیور و الازهار»

از کتاب منطق الطیر به استفاده از نماد پرندگانی از جمله: بلبل، باز، هدهد، طاووس و سیمرغ می‌پردازد، و در مضامین عرفانی به مختارنامه عطار توجه داشته‌است.

### ۳. روابط بینامتنی آیات قرآن در اشعار عطار و بازتاب آن در داستان‌های قرآنی نگارگری صفوی

باتوجه به آنچه گفته شد هیچ متنی را نمی‌توان پیدا کرد که در خلأ به‌وجود آمده باشد و می‌توان ردپای متون قبل را کم و بیش در آن را به‌خوبی دید. از آنجاکه قرآن کریم سهم عمده‌ای از زیبایی و غنای آثار ادیبان مسلمان مرهون بهره‌گیری آن‌ها از معارف غنی اسلامی و مفاهیم آیات قرآن کریم است که ترکیب مناسبی از قالب و محتوا را پدید آورده و آثارشان را تا قله جاودانگی به پیش برده است. به‌ویژه توجه شاعران توانا و دل‌سپرده به مبدأ ذات، به‌سوی کسب فیض و معنا از ساحت مقدس قرآن کریم در بسیاری از آثار و دیوان‌های آنان به‌خوبی مشهود است. یکی از این شاعران که دارای آثار متعددی است و در کاربرد مفاهیم قرآن کریم سبقت را از دیگران ربوده است، شیخ فریدالدین عطار نیشابوری است. ارادت خاص اوست به خاندان نبوت سبب شد تا با شوق و اشتیاق عجیب و درخور اعتنا از این خاندان مبارک سخن بگوید. در هریک از آثارش با زبانی گرم و گیرا و زنده و پویا ستایش خداوند را آغاز می‌کند. با مطالعه و بررسی برخی از اشعار عطار مشخص شد که او در موارد بسیاری تحت‌تأثیر اسالیب و مفاهیم قرآنی قرار داشته است، که مهم‌ترین این تأثیرپذیری عبارت‌اند از: (اثرپذیری تلمیحی، گزاره‌ای، واژگانی).

#### ۳.۱. اثرپذیری تلمیحی

تلمیح در فرهنگ واژگان زبان عربی مصدر باب تفعیل از ریشه (لَمَحَ، يَلْمَحُ، لَمَحًا) است. به معنای نگاه کردن و اشاره کردن، درخشیدن، نگرستن کوتاه و شتاب‌زده و... به‌کار رفته است (ر. ک، ابن‌منظور، بی‌تا، ریشه «ل م ح»). در زبان فارسی نیز به معنای: نمودن و آشکار کردن، نگاه سبک به چیزی به‌کار رفته است (دهخدا، ۱۳۳۷: تلمیح)؛ به‌طور خلاصه از صنایع معنوی بدیع است که در آن نویسنده یا گوینده در ضمن نوشتار خودش یا گفتارش به آیه، حدیث، داستان یا مثلی اشاره داشته باشد (محمدی، ۱۳۷۴: ۸). در این روش، شاعر کلام خود را براساس نکته قرآنی بنا می‌گذارد ولی به‌صورت تعمدی سخنش را با نشانه یا اشاره‌ای همراه می‌سازد که خواننده شعر را بر آنچه خود بر آن نظر داشته نشان دهد و نمونه‌های این نوع تأثیرپذیری فراخواندن شخصیت‌های قرآنی: شخصیت پیامبران، می‌باشد. ناقدان عرب از این نوع تناس به فراخوانی شخصیت‌های دینی (استدعاء الشخصیات الدینیة) یاد کرده‌اند که عبارت‌اند از:

متن حاضر:

باز یوسف را نگر در داوری      بندگی و چاه و زندان بر سری      (عطار، ۱۳۵۱: ۳)

گرگ را بر پیرهن گویا کند      وز دم پیراهنی بینا کند      (عطار، ۱۳۸۰: ۲)

متن غایب: «ذَهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَيَّ وَجَهَ أَبِي يَاتِ بَصِيرًا وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ.» (یوسف: ۹۳)

ترجمه: این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیفکنید تا بینا شود و کسان خود را همگی نزد من بیاورید.

**عملیات بینامتنی:** در این دو بیت عطار به داستان حضرت یوسف (ع) اشاره می‌کند؛ به طوری که درک معنا و مفهوم اصلی این دو بیت نیاز به کمی تعمق و ژرفاندیشی دارد؛ چراکه عطار با به کارگیری مضمون داستان حضرت یوسف (ع) و ماجرای انداختن او در چاه توسط برادران خود و نجات آن حضرت به وسیله کاروان که از آنجا می‌گذشت، و در بیت اول به جنایت برادران یوسف (ع) در حق برادر خود اختصاص داده است اشاره می‌کند. در نگاره‌های دوره صفوی نیز این مضمون توسط هنرمندان ترسیم شده است. تصویر شماره ۱ یکی از این نمونه نگاره‌ها است.



تصویر ۱. نگاره حضرت یوسف در زندان. از فالنامه صفوی. محل نگهداری: موزه توپقاپی سرای استانبول.

سپس در مصراع دوم به ادامه حوادث بعدی داستان و صبر یعقوب (ع) در دوری فرزند اشاره می‌کند. بدین صورت عطار بین هر دو متن ارتباط برقرار کرده و خواننده را برای لحظه‌ای به فضای داستان می‌برد؛ به طوری که خواننده با مشاهده و خواندن کلمات کلیدی (یوسف (ع)، چاه، گرگ، پیراهن) داستان آن حضرت (ع) در ذهنش تداعی می‌شود. این درحالی است که آیه (۹۳ سوره یوسف) به همین ماجرا اشاره دارد. لذا روابط بینامتنی در این دو بیت از اشعار عطار از نوع تلمیحی یا اشاره‌ای است.

متن حاضر: لا فتی الا علیش از مصطفاست      وز خداوند جهانش (هل آتی) است

(عطار، ۱۳۸۰: ۳۵)

متن غایب: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا»  
(انسان / ۸-۹)

ترجمه: و به پاس دوستی (خدا) بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند. ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. بسیاری از مفسران معتقدند که سوره انسان یا دهر در شأن امام علی (ع) و فاطمه زهرا (س) و امام حسن و امام حسین (ع) نازل شده است و داستان نزول آن در کتب مختلف شیعه و اهل سنت آمده است.

**عملیات بینامتنی:** با دقت در این بیت از اشعار عطار می‌توان چنین برداشت کرد که وی به توصیف شجاعت و جوانمردی امام علی علیه‌السلام پرداخته است و هر کس که خواهان دلیلی برای درستی این موضوع باشد، (سوره هل اتی) برای او کافی است تا با خواندن آن سوره مبارکه به این موضوع پی‌برد. بنابراین عطار در این بیت با تکیه و استناد به آیات قرآن مضمون آیه قرآنی را گرفته و آن را طوری به کار برده که جوهره آن تغییری نکرده است. در تصویر شماره ۲ ترسیم شجاعت علی (ع) در نگاره های دوره صفویه است.



تصویر ۲: علی (ع) در فتح خیبر. فالنامه طهماسبی. دوره صفوی. مکتب دوم تبریز. محل نگهداری: موزه توپقاپی سرای استانبول.

لذا در بررسی رابطه بینامتنی می‌توان چنین نتیجه گرفت که از نوع نفی متوازی یا امتصاص است؛ کلمات کلیدی به کاررفته مؤید این امر است به گونه‌ای که شاعر تنها به اسم سوره اشاره کرده و متن غایب را گرفته و بدون تغییر در جوهره اش آن را در شعرش به کار برده است.

متن حاضر: شیرخواری را به تقریر آورد      وز میان قَرث و دَم شیر آورد

(عطار، ۱۳۸۰: ۱)

متن غایب: «وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ»، (آل عمران/ ۴۶)



ترجمه: و در گهواره «به اذن خداوند» و در میانسالی (به وحی) با مردم سخن می‌گوید و از صالحان است.

**عملیات بینامتنی:** عطار در مصراع اول این بیت از اشعارش به داستان حضرت عیسی (ع) که به اذن خداوند در گهواره سخن می‌گفت اشاره می‌کند. وی هنرمندانه با زیبایی تمام با بهره گرفتن از مضمون آیه قرآنی یک رابطه قوی بین هر دو متن حاضر و غایب برقرار می‌کند؛ به طوری که مضمون متن غایب را گرفته و بدون هیچ‌گونه تغییری در درون کلامش جای دهد و به بیان مقصود خود بپردازد. می‌توان نتیجه گرفت به دلیل این که وی از مضمون و مفهوم آیه استفاده کرده‌است، لذا رابطه بینامتنی از نوع تلمیحی است.

متن حاضر: صبحدم بر یاد تو یک خنده کرد / خلق را از دم چو عیسی زنده کرد

(عطار، ۱۳۸۰: ۸)

متن غایب: «و رَسُولاً إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْهَةِ الطَّيْرِ فَانْفُخْ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِي الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ...» (آل عمران / ۴۲)؛ ترجمه: و او را به عنوان پیامبری به سوی بنی اسرائیل می‌فرستد که (می‌گوید): با معجزه از پروردگارتان سوی شما آمده‌ام، من از گل برای شما چیزی به شکل پرنده می‌سازم و در آن می‌دمم و آن به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود و به اذن خدا کور مادرزاد و پیس را شفا می‌دهم و مردگان را زنده می‌کنم.

**عملیات بینامتنی:** در سخنش به قسمتی از آیه ۴۹ / آل عمران که درباره معجزه حضرت عیسی (ع) است که به اذن خداوند آن حضرت مردگان را زنده می‌کرد، اشاره می‌کند. عطار به زیبایی خواننده را به فضای داستان هدایت می‌کند. این درحالی است که با به کار بردن کلمات کلیدی (دم عیسی، زنده کردن خلق) معجزه آن حضرت را که به اذن خداوند مردگان را زنده می‌کرد با عباراتی زیبا بیان کرده؛ به طوری که هنرمندانه از مضمون و مفهوم آیه قرآنی بهره برده‌است. لذا رابطه بینامتنی در این بیت از نوع تلمیحی است پ.

متن حاضر: گفت چون تابوت موسی بر شتافت / دیده فرعونش که می‌آورد آب

(عطار، ۱۳۸۰: ۱۰۸)

متن غایب: «أَنْ أَقْدِ فِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَقْدِ فِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ وَلِيَّ وَ عَدُوٌّ لَهُ وَ الْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِي وَ لِتُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي.» (طه / ۳۹)؛ ترجمه: که او را در صندوق قرار ده و آنرا به دریا بیفکن تا دریا او را به ساحل اندازد و دشمن من و دشمن وی او را برگیرد و بر تو از جانب خود مهری (در دل‌ها) افکنم تا زیر نظر من پرورش یابی.

**عملیات بینامتنی:** در این بیت از اشعار عطار کلمه تابوت موسی (ع) که ذکر شده‌است؛ یعنی همان صندوق چوبی است، که مادرش او را در هنگام کودکی در آن نهاد و به اذن خداوند به رودخانه نیل رها کرد. شاعر توانا در این بیت به ماجرای به آب‌انداختن حضرت موسی (ع) توسط مادرش که مأموران فرعون قصد به قتل رساندن آن حضرت را



داشتند اشاره می‌کند. بنابراین وی با زیرکی تمام و متناسب وزن و قافیه و با استفاده از کلمات کلیدی و مهم جهت استناد به آیه قرآنی بهره می‌گیرد. لذا رابطه بینامتنی در این بیت از نوع تلمیحی است.

متن حاضر: در ضمیرش بود مکنوناتِ غیب      زان برآوردی یدِ بیضاء ز جیب

(همان: ۴)

متن غایب: «أَسْئَلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بِيضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَ اضْمُمِ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَنْكَ بُرْهَانَ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَأْهُ أَنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (قصص / ۳۲).

ترجمه: دست در گریبان خویش فرو بر تا سفید (درخشان) و بی گزند بیرون آید و دست و بازویت را به خود بچسبان تا ترس تو فرونشیند و مضطرب نباشی و این‌ها دو برهان (ید بیضاء - عصا) از جانب پرورگار توست (که باید) به سوی فرعون و مهترانش (ببری) زیرا آن‌ها قومی نافرمان هستند.

**عملیات بینامتنی:** در این بیت عطار اشاره دارد به معجزه حضرت موسی (ع) که به اذن خداوند دستش را در گریبان خود فروبرد و نوری سفید و درخشان از آن بیرون آمد (جهت غلبه بر ترس و اضطراب). شاعر با به کار بردن یک یا چند نشانه در سخنش خواننده را به متن غائب هدایت می‌کند و با به کارگیری ترکیب کلیدی (ید بیضاء) به داستان حضرت موسی (ع) اشاره می‌کند. وی بدین‌وسیله بین هر دو متن ارتباط برقرار کرده و خواننده را به فضای داستان می‌برد؛ به طوری که درک معنا و مضمون داستان نیاز به کمی تفکر دارد. او با این روش با الفاظی کم معانی بسیاری را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند. لذا رابطه بینامتنی از نوع تلمیحی است.

متن حاضر: از عصایی سنگ را زمزم کند      گندمی تخم عصی آدم کند

(عطار، ۱۳۸۰: ۲)

متن غایب: «وَ إِذَا سَتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ كَلُوا وَ شَرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (بقره / ۶۰)؛

ترجمه: یاد کن هنگامی که موسی برای قومش آب خواست، به او گفتیم: با عصایت به این سنگ بزن. آنگاه دوازده چشمه از آن جوشید که هر قبیله و گروهی آبگیر خود را می‌شناخت [گفتیم] از رزق و روزی خدا بخورید و بنوشید و در زمین سر به فساد برمدارید.

در تصویر شماره ۳ که از نگاره‌های مربوط به دوره صفوی است بخشی از داستان زندگی حضرت موسی (ع) که در قرآن آمده است به زیبایی ترسیم شده است.



تصویر ۳. نگاره رقابت حضرت موسی (ع) و ساحران فرعون. فالنامه صفوی. مکتب قزوین. محل نگهداری: نامشخص

**عملیات بینامتنی:** در این فراز از اشعار عطار در مصراع اول به ماجرای معجزه حضرت موسی (ع) که با زدن عصایش به سنگ به اذن خداوند چشمه‌هایی جوشیده به وجود آمد، اشاره می‌کند. وی توانسته است با مهارت تمام بین هر متن غایب و متن حاضر رابطه برقرار کرده و ذهن مخاطب را به فضای داستان برده و هم توانسته است که از مضمون و مفهوم آیه قرآنی به بهترین شکل ممکن بهره ببرد. لذا رابطه بینامتنی از نوع تلمیحی است.

متن حاضر: گاه گل در روی آتش دسته کرد      گاه پل بر روی دریا بسته کرد

(عطار، ۱۳۸۳: ۱)

متن غایب: «قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (انبیاء: ۶۰ / ۶۹/۶۸)

ترجمه: (گروهی) گفتند: شنیدیم جوانی از (مخالفت با) بت‌ها سخن می‌گفت که او را ابراهیم می‌گفتند. گفتند: او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر کاری از شما ساخته است. گفتیم ای آتش برای ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش.

**عملیات بینامتنی:** در این بیت عطار با بهره‌گیری از مهارت شعری که دارد در مصراع اول به داستان حضرت ابراهیم (ع) اشاره می‌کند. توسط نمرد او را به آتش انداختند و به اذن خداوند آتش به گلستان تبدیل شد.



تصویر ۴: نگاره حضرت ابراهیم در آتش، قصص النبیا، مکتب شیراز صفوی. محل نگهداری: کتابخانه ملی آلمان برلین.

در مصراع دوم نیز به ماجرای شکافته شدن رود نیل برای عبور حضرت موسی (ع) و یارانش اشاره دارد. در این دو مصراع عطار بین متن حاضر برای فهمیدن متن غایب که نیاز به کمی دقت و تأمل دارد تا خواننده به مفهوم آن دو داستان پی ببرد، رابطه برقرار می‌کند که نیاز به خواندن عمیق و دقیق دارد تا متن پنهان درک شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت رابطه بینامتنی از نوع تلمیحی می‌باشد.

متن حاضر: آب موج آرنده را پل سازد او      و آتش سوزنده را گل سازد او

(عطار، ۱۳۸۰: ۲)

متن غایب: «فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ، وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ» (طه: ۲۴/۲۳)

ترجمه: (خدا فرمود) پس تو بندگان (با ایمان) مرا شبانه از شهر بیرون بر؛ چراکه فرعونیان شما را تعقیب کنند.

آن‌گاه دریا را (همان‌گونه که بر تو بشکافتیم) آرام و خشک بگذار و بگذر که فرعون و لشکریانش تمام به دریا غرق شوند.



**عملیات بینامتنی:** در این بیت عطار به عبور حضرت موسی (ع) به همراهی قوم بنی اسرائیل از رودخانه (نیل) اشاره می‌کند. بدین ترتیب که جبرئیل به حضرت موسی (ع) پیام داد که عصای خود را به آب بزن، در نتیجه این عمل دریا ۱۲ شکاف برداشت. راه برای عبور ۱۲ قبیله بنی اسرائیل از رود نیل باز شد. بنی اسرائیل از میان دیوار عظیم آب عبور کردند. فرعونیان نیز به تعقیب ایشان پرداختند و به رودخانه نیل داخل شدند که خداوند متعال همه را زیر فشار آب گرفته و غرق کرد. در مصراع دوم، تلمیح است به داستان آتش افکندن حضرت ابراهیم (ع). بدین ترتیب که حضرت ابراهیم (ع) بعد از شکستن بت‌ها، نمرود دستور داد تا هیزم جمع‌آوری کنند. چنین گویند که چهار ماه هیزم جمع‌آوری می‌کردند و آتشی روشن کردند و نتوانستند به آن نزدیک شوند. ابلیس ایشان را آموخت تا منجنیق بسازند و حضرت ابراهیم (ع) را در آن منجنیق گذاشتند و به آتش بینداختند. به اذن خداوند آتش بر آن حضرت به گلستان تبدیل شد؛ رابطه بینامتنی از نوع تلمیحی است.

**متن حاضر:** رهبر یونس شد از ماهی به ماه

کردش از مه تا به ماهی پادشاه

(عطار، ۱۳۸۰: ۲۵)

**متن غایب:** «وَذَا التَّوْنِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیاء / ۸۷)؛ ترجمه: و صاحب ماهی (یونس) آنگاه که خشمگین (از میان مردم) برفت و پنداشت که ما هرگز بر او تنگ نمی‌گیریم (که ماهی او را بلعید) پس درون تاریکی‌ها ندا در داد که معبودی جز تو نیست، منزهی تو. به راستی که من از ستمکاران بودم.

**عملیات بینامتنی:** عطار نیشابوری در این بیت با مهارت و زیبایی تمام از مضامین و مفاهیم آیات ۸۷ و ۸۸ «سوره انبیاء»، که درباره داستان حضرت یونس (ع) است اشاره می‌کند. بدین ترتیب که به اذن خداوند ماهی آن حضرت را بلعید و سپس حضرت یونس (ع) بعد از مدتی که در شکم ماهی بود، ندا داد: ای خدا معبودی جز تو نیست و خداوند دعایش را اجابت کرد و او را نجات داد. وی در این بیت مضمون و مفهوم آیه قرآن را در کلام خود به شیوه‌ای زیبا به‌کاربرده؛ به طوری که خواننده با خواندن کلمات کلیدی (یونس، ماهی) آن داستان را در ذهنش تداعی می‌کند. لذا رابطه بینامتنی از نوع تلمیحی است.

**متن حاضر:** این شما را بس که هدهد یافته است

وز چنان شاهی تَفَقَّد یافته است

(عطار، ۱۳۸۰: ۲۲۹)

**متن غایب:** «وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ» (نمل / ۲۰)

ترجمه: و جویای حال پرندگان شد و گفت: چرا من هدهد را نمی‌بینم؟ آیا او از جمله غایبان هست. عطار بیت دیگری در دیوان اشعار خود دارد که به ماجرای بلقیس و هدهد اشاره دارد. تَفَقَّد: گم‌شده را جستن، و پرسش نمودن.

**عملیات بینامتنی:** عطار در این بیت به ماجرای حضرت سلیمان (ع) که خداوند تعالی به او سپاهی قوی از جن و انس و پرندگان عطا کرد، و یکی از پرندگان (هدهد) بود که غایب شده بود و حضرت سلیمان (ع) جویای علت گم شدن او شد و هدهد علت غیبت خود را بیان کرد که از سرزمین سبا برای تو خبری آورده‌ام .... هدهدی که نامه‌ای برای بلقیس برد و از طرف حضرت سلیمان (ع) مأمور بود تا بلقیس و اهل او هرچه کنند به سلیمان خبر دهد و هدهد چنین کرد. بدین ترتیب عطار بین هر دو متن ارتباط برقرار می‌کند و این نوع رابطه از نوع اشاره‌ای یا تلمیحی می‌باشد. در تصویر شماره ۵ بخشی از داستان قرآنی زندگی حضرت سلیمان در نگاره‌های دوره صفوی ترسیم شده است.



تصویر ۵. بارگاه حضرت سلیمان. متعلق به مکتب قزوین. دوره صفوی. محل نگهداری: موزه ملی بریتانیا

### ۳.۲. اثرپذیری گزاره‌ای

این روش بر دو نوع است: ۱- اقتباس یا تضمین؛ ۲- حل یا تحلیل.

در این نوع، شاعر یک جمله یا عبارت قرآنی را با همان شکل و ساختار، بدون هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی و یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن گریزی نیست در سخن خود جای می‌دهد (راستگو، ۱۳۷۶: ۲۹).

در نوع دوم که همان حل و تحلیل است، گوینده بیش از حد معمول در ساختار اصلی آیه دست‌کاری می‌کند و چه بسا ساختار اصلی آن را به‌نوعی برهم می‌زند و بافت آیه را تغییر می‌دهد (همان: ۳۱). اقتباس خود نیز گونه‌های مختلفی دارد؛ گاهی شاعر یا ادیب برخی از آیه‌های قرآن کریم یا حدیث یا نهج‌البلاغه یا متون دیگر را به‌صورت کامل در اثر خود می‌آورد. گاهی نیز با کمی تغییر آن‌ها را ذکر می‌کند. اقتباس دارای نوعی دیگری به‌نام (استحیاء) است، استحیاء

نوعی اقتباس است که در خلال آن خواننده با دیدن کلمه‌ای به خود آیه یا مجموعه آیه‌ای که این کلمه در آن‌ها وجود دارد، رهنمون می‌شود و به مجرد دیدن کلمه، آیه در ذهن او تداعی می‌شود (علوان والاخرون، ۲۰۰۴: ۱۵۳).

متن حاضر: در همه عالم چیست از عنکبوت قصه «حَيِّ الذِّي هُوَ لَا يَمُوتُ»

(عطار، ۱۳۸۰: ۲۲۱)

متن غائب: «وَوَكَّلَ عَلَى الْحَيِّ الذِّي لَا يَمُوتُ وَ سَبَّحَ بِحَمْدِهِ وَ كَفَى بِهِ بَدُنُوبٍ عِبَادَةً خَيْرًا» (فرقان / ۵۸)

ترجمه: و بر آن زنده‌ای که نمی‌میرد، تکیه کن و به ستایش او تسبیح گوی و همین بس که او به گناهان بندگان آگاه است.

**عملیات بینامتنی:** عطار در این بیت از اشعارش در مصراع دوم عبارت قرآنی «حَيِّ الذِّي هُوَ لَا يَمُوتُ» را از آیه ۵۸ سوره مبارکه فرقان بدون هیچ‌گونه تغییری برای تزئین و زیباکردن سخنش اقتباس کرده و آن را در لابه‌لای کلامش به‌کار گرفته‌است. و با این هنرمندی و متناسب با قافیه شعری توانسته است بین هر دو متن حاضر و متن غایب ارتباط برقرار کند لذا نوع رابطه بینامتنی در این بیت به‌صورت گزاره‌ای از نوع تضمین می‌باشد.

متن حاضر: نه ز ملکم بیم و نه از مالک است بیم من از کُلِّ شَيْءٍ هَالِكٍ است

(عطار، ۱۳۸۰: ۹۹)

متن غایب: «وَوَلَدَعُ اللَّهُ مَعَ الْهَاءِ آخِرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (قصص / ۸۸)

ترجمه: و با خداوند معبود دیگری مخوان. خدایی جز او نیست. جز ذات او همه چیز فانی است. فرمان از آن اوست و به‌سوی او بازگردانده می‌شوید.

**عملیات بینامتنی:** عطار در مصراع دوم عبارت قرآنی (كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٍ) را از آیه قرآن (۸۸ / قصص) هنرمندانه متناسب با وزن و قافیه با شیوه‌ای زیبا بدون کم و زیاد اقتباس کرده و این‌گونه با آگاهی کامل و به‌صورت آشکارا با متن غایب ارتباط برقرار کرده است لذا رابطه بینامتنی از نوع گزاره‌ای اقتباس می‌باشد.

متن حاضر: قوس قدرت را تویی زه لاجرم گشت نازل زین سبب نون و القلم

(عطار، ۱۳۸۰: ۱۲۴)

متن غایب: «نَ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم / نون). سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند.

**عملیات بینامتنی:** در این بیت عطار در مصراع دوم ترکیب (ن و قلم) را از آیه (۱ / قلم) با ظرافت و هنرمندی جهت زیبایی ساختن کلامش متناسب با وزن و قافیه بدون هیچ‌گونه تغییر اقتباس کرده و آن را در میان کلام خود آورده است. لذا رابطه بین دو متن از نوع گزاره‌ای اقتباس می‌باشد.



متن حاضر: وقت کوچست اَلرَحیل ای دل ازین جای خراب تا ز حضرت سوی جانت اِرْجعی آید خطاب

(عطار، ۱۳۵۶: ۶۱)

متن غایب: «اِرْجعی الی ربکَ راضیةً مَرْضیةً» (فجر / ۲۸)

ترجمه: به سوی پروردگارت باز گرد که تو راضی از او و او از تو راضی.

**رابطه بینامتنی:** رویکرد عطار در تأثیرپذیری گزاره‌ای گاهی اوقات در حد استفاده از یک لفظ خلاصه می‌گردد که این کلمه ذهن خواننده را به سوی آیه موردنظر سوق می‌دهد. این گونه کلمات و واژه‌های کلیدی در حد تلمیح نیست، بلکه بخشی از یک گزاره است که شاعر با حذف کردن اساسی کلمات آیات و احادیث، تنها به یک کلمه یا فعل یا اسم از آیه بسنده کرده است و این نوع رویکرد عطار اوج تأثیرپذیری گزاره‌ای از نوع (حل، تحلیل) محسوب می‌شود. عطار با به‌کارگیری واژه (ارجعی) از آیه قرآنی وام‌گیری کرده است؛ یعنی لفظ قرآنی را در شعرش جای داده است به‌گونه‌ای که اگر متن غایب نبوده زبان و ادب او از این واژه بی‌بهره بود لذا رابطه بینامتنی از نوع نفی جزئی یا اجترار است.

### ۳.۳. تأثیرپذیری واژگانی

عطار در تبیین و توضیح و استناد سخنان خود اشعارش را با جملات کوتاه قرآنی می‌آراید. جملاتی که از بافت آیه قرآن جدا می‌شود و با پیوستن به متن شعر افزون بر معنای آیه قرآن در هم‌نشینی با عناصر سازنده جمله مفهوم سخن را تکمیل می‌کند. در این نوع اثرپذیری عطار با استفاده از واژگان قرآنی برای قافیه‌سازی استفاده می‌کند. در این شیوه شاعر در به‌کارگیری واژه‌ها و ترکیب‌ها وام‌دار قرآن است؛ یعنی واژه‌ها و ترکیب‌های قرآنی را در شعرش می‌آورد که ریشه قرآنی دارند (راستگو، ۱۳۷۶: ۱۵).

متن حاضر: از تو می‌گردد ذاتِ البروجِ هم افول از توست ظاهر هم عروج (عطار ۱۳۸۰: ۱۰۹)

متن غایب: «والسماءُ ذاتِ البروجِ.» (آیه ۱ سوره بروج) ترجمه: سوگند به آسمان که برج‌ها دارد.

**عملیات بینامتنی:** در این بیت، عطار با متن غائب ارتباط برقرار کرده‌است؛ به طوری که هیچ‌گونه تغییری در عبارت داده نشده و عین عبارت قرآنی را از آیه (بروج / ۱) برش زده و آن را استفاده کرده است. وی به تناسب وزن و قافیه و آهنگ متن قسمتی از آیه قرآن را در میان کلامش به‌کار می‌برد. لذا رابطه بینامتنی از نوع نفی جزئی یا اجترار (اسلوبی و سبکی) است که عطار در این بیت همان لفظ و ترکیب آیه قرآن کریم را بدون هیچ‌گونه تغییری به صورت آگاهانه و مستقیم و آشکارا به‌کار برده است.

متن حاضر: صِبْغَةَ اللَّهِ را به خود راه داده ای زانکه اَبْرَصَ نور اَکَمَه داده‌ای

(عطار، ۱۳۸۰: ۳۰۱)

متن غائب: (وَرَسُولَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي قَدْ جَعَلْتُكُمْ بَايَةً مِّن رَّبِّكُمْ إِنِّي أَلْقَيْتُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَاَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِأَذْنِ اللَّهِ وَابْرَىٰ الْأَكْمَةَ وَالْإِبْرَصَ وَأَحْيَىٰ الْمَوْتَىٰ بِأَذْنِ اللَّهِ وَاتَّبَعَكُمْ بِمَا تَاكُلُونَ وَ مَا تَدْخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ) (آیه ۴۹ / آل عمران).

**عملیات بینامتنی:** عطار در این بیت که از کتاب مصیبت‌نامه است، چهره و سیمای امام علی (ع) را عین (صِبْغَةُ اللَّهِ) و رنگ الهی می‌داند. او با ذکر کردن واژه‌های این آیه، آن را در وصف امام علی (ع) به کار می‌برد، تا ضمن بیان ارادت خود به امام علی (ع) و پیشوای خود اعتقادش را ثابت کند. وی در این بیت آگاهانه از آیه شریفه بهره برده و حتی واژه (صِبْغَةُ اللَّهِ) را عیناً و به شکل آشکار و مستقیم به کار برده است. بنابراین رابطه بینامتنی از نوع نفی جزئی یا اجترار است؛ به طوری که متن حاضر، ادامه متن غایب است و کم‌تر شاهد نوآوری از سوی شاعر هستیم اما وی با استفاده از کلمه (صِبْغَةُ اللَّهِ) این رابطه را با دقت خاصی برقرار کرده است. در مصراع دوم نیز عطار دو کلمه (ابرس، اکم) از آیه (۴۹) را عیناً از سوره آل عمران به شکل آشکار و مستقیم در مصراع دوم از شعرش به کار برده و رابطه بینامتنی از نوع نفی جزئی یا اجترار است؛ به طوری که متن حاضر ادامه متن غایب است و کم‌تر شاهد ابتکار و نوآوری هستیم ولی عطار با استفاده از دو کلمه (ابرس - اکمه) این رابطه را با ظرافت خاصی برقرار کرده است.

متن حاضر: غیب خواهیم سر به غیرم می دهد عشق می خواهیم «لَحْمِ طَيْرِمَ» می دهد

(عطار، ۱۳۸۰: ۱۳۲)

متن غایب: «وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ» (واقعه/۲۱) ترجمه: و از گوشت پرنده هر چه بخواهند.

**عملیات بینامتنی:** عطار در این فراز از اشعارش در مصراع دوم ترکیب قرآنی «لَحْمِ طَيْرٍ» را عیناً بدون هیچ‌گونه تغییری از آیه ۲۱ سوره مبارکه (واقعه) اقتباس کرده است و به شکل آشکارا و مستقیم در مصراع دوم از شعرش به کار برده است. با توجه به استفاده از کلمات کلیدی (لَحْمِ طَيْرٍ) که مؤید این امر است؛ رابطه بینامتنی از نوع واژگانی است.

متن حاضر: شد پدید آب مهین آغاز کار یعنی اومید چنان پاکی مدار

در سه ظلمت، نطفه‌ای نه دل نه دین از لوش شد جمع و زما مهین

(عطار، ۱۳۸۰: ۵۸)

متن غایب: «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ» (سجده / ۸)

ترجمه: سپس (تداوم) نسل او را از چکیده آبی حقیر مقرر کرد.

**عملیات بینامتنی:** در این دو بیت عطار در مصراع اول و چهارم ترکیب (آب مهین، ماء مهین) را به طور آگاهانه و آشکارا به صورت مستقیم بدون هیچ‌گونه تغییری و هنرمندانه متناسب با وزن و قافیه شعری در میان کلامش به کار

بسته و با آوردن کلمات مهم در لابه‌لای سخنش اثرپذیری واژه‌گانی کرده‌است لذا رابطه بینامتنی در این بیت از نوع واژگانی است.

### نتیجه‌گیری

نشانه‌های بینامتنی در اشعار عطار را می‌توان در به‌کارگیری واژه‌ها و مفردات و استعمال آیات قرآن کریم و ترکیبها و حوادث و داستان‌های قرآنی جست‌وجو کرد؛ به‌طوری‌که عطار از این میراث ارزشمند دینی به‌صورت بسیار زیبا استفاده کرده‌است. همین امر سبب جذابیت عمیق و معانی در اشعارش شده‌است. کارکرد میراث دینی به‌ویژه قرآن کریم به‌صورت اقتباس کامل و گاهی به‌صورت جزئی، اشاره‌ای و مضمونی بوده است. نکته مهم این است که شاعر از ظرفیت‌های قرآنی برای قافیه‌سازی اشعار به‌خوبی بهره می‌برد. ترکیباتی مانند: روح‌الامین، رب‌العالمین، روح‌القدس، خلق عظیم بسیار دیده می‌شود. نام پیامبران و برخی سوره‌های قرآن به اشاره محدود نمی‌شود و دیگر اینکه نام کتاب‌های مقدس (تورات، انجیل، زبور) در اشعارش وجود دارد. واژه‌های چون (جنه، صمد، صراط، روح، ودود، بروج، برهان و .... در اشعارش فراوان یافت می‌شود. بدون تردید استفاده از متون ارزشمند دینی در کلام شاعر جایگاه مهمی دارد که این نشان‌دهنده ایمان او به دین الهی می‌باشد. بنابراین از میان انواع روابط بینامتنی در اشعار عطار رابطه بینامتنی اشاره‌ای یا تلمیحی و اثرپذیری واژگانی پرسامدترین مناسبات بینامتنی اشعار عطار با متون دیگر است. در بیشتر اشعارش از آیات قرآن کریم تأثیر پذیرفته و بدین‌صورت ارادت خود را نسبت به این کتاب مقدس و ائمه اطهار (ع) نشان داده‌است؛ به‌طوری‌که خواننده با دریافت چنین مضامین نورانی الهی به تأمل واداشته می‌شود که چگونه می‌توان چنین سخنی را سرود که گذشت روزگار از ارزش آن نمی‌کاهد. در نگاره‌های برجای مانده از دوره صفوی نیز داستان‌های مختلفی از زندگی پیامبران آورده شده است و همین مسئله سبب شده تا داستان‌های مربوط به زندگی پیامبران در قرآن یکی از مضامین مهم نگارگری دوره صفویه باشد.

پروژه‌های پژوهشی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## فهرست منابع و مآخذ

## کتاب‌ها:

قرآن کریم.

ابن منظور. (۱۹۹۸). لسان العرب، بیروت: لبنان دارالفکر.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳). تاریخ ادبیات ایران، تهران: انتشارات فردوسی.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، تصحیح: محمد معین، چاپ ۲، تهران: نشر دانشگاه.

راستگو، سید محمد. (۱۳۷۶). تجلی قرآن در شعر فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۷۸). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

عزام، محمد. (۲۰۰۵). النص الغائب، تجلیات التناس فی الشعر العربی، دمشق: اتحاد الکتاب العرب.

عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۳۹). خسرونامه، تصحیح: احمد سهیلی خوانساری، تهران: نشر زوار.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۷۷). پندنامه، اهتمام: محمدعلی پور ولی، تهران: نشر امیرکبیر.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۴۵). مظهرالعجائب، تصحیح: احمد خوشنویس (عماد)، تهران: نشر سنایی.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۶۱). اسرارنامه، تصحیح: سید صادق گوهرین، تهران: نشر زوار.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۳۱). دیوان اشعار، اهتمام: دکتر تقی تفضلی، تهران: نشر انجمن آثار ملی.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). مختارنامه، تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات علمی.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۲). دیوان اشعار، اهتمام: سعید نفیسی، تهران: نشر اوحدی.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۴). دیوان اشعار، تنظیم: منصور جهانگیری، تهران: نشر نگاه.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۷۶). دیوان اشعار، تنظیم: فروزانفر بدیع‌الزمان، تهران: نشر نگاه.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۳). منطق‌الطیر، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر سخن.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۰). مصیبت‌نامه، تصحیح: وصال نورانی، تهران: نشر زوار.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۸). الهی‌نامه، تهران: انتشارات خلاق.

علوان، محمد آخرون. (۲۰۰۴). المقالات النقدیة فی الشعر شهید الدستور ابراهیم المقادمة، مكتبة الآفاق.

قزائتی، محسن. (۱۳۷۴). تفسیر نور، قم: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۳). تفسیر نور، قم: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کریستوا، ژولیا. (۱۳۸۱). علم النص، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.

ناهم، احمد. (۲۰۰۷). التناس فی شعر الرواد دراسة، مصر القاهرة: دارالآفاق.

موسی، خلیل. (۲۰۰۰). قراءات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.